شماره ابلاغ : 70496 شماره انتشار : 9610

تاريخ ابلاغ: 1356/08/25 تاريخ روزنامه رسمي : 1356/09/26

قانون اجراي احكام مدني مصوب 1356/08/01

فصل اول - قواعد عمومي

مبحث اول - مقدمات اجرا

ماده ۱ - هیچ حکمی از احکام دادگاههای دادگستری بموقع اجرا گذارده نمیشود مگر اینکه قطعی شده یا قرار اجرای موقت آن در مواردیکه قانون معین میکند صادر شده باشد

ماده ۲ - احكام دادگاههاي دادگستري وقتي بموقع اجرا گذارده ميشود كه بمحكومعليه يا وكيل يا قائممقام قانوني او ابلاغ شده و محكومله يانماينده و يا قائممقام قانوني او كتبا اين تقاضا را از دادگاه بنمايد

ماده ٣ - حكمي كه موضوع آن معين نيست قابل اجراء نمي باشد

ماده ۴ - اجراي حكم با صدور اجرائيه بعمل ميآيد مگر اين كه در قانون ترتيب ديگرى مقرر شده باشد.

در مواردیکه دادگاه جنبه اعلامی داشته و مستلزم انجام عملی از طرف محکوم علیه نیست از قبیل اعلام اصالت یا بطلان سند اجرائیه صادر نمیشود همچنین در مواردیکه سازمانها و مؤسسات دولتی و وابسته بدولت طرف دعوی نبوده ولی اجرای حکم باید بوسیله آنها صورت گیرد صدور اجرائیه لازم نیست و سازمانها و مؤسسات مزبور مکلفند بدستور دادگاه حکم را اجرا کنند.

ماده ۵ - صدور اجرائیه با دادگاه نخستین است.

ماده  $^{9}$  - در اجرائیه نام و نام خانوادگی و محل اقامت محکومله و محکومعلیه و مشخصات حکم و موضوع آن و اینکه پرداخت حق اجرا بعهده محکومعلیه میباشد نوشته شده و بامضاء رئیس دادگاه و مدیر دفتر رسیده بمهر دادگاه ممهور و برای ابلاغ فرستاده میشود.

ماده ۷ - برگهای اجرائیه بتعداد محکوم علیهم بعلاوه دو نسخه صادر میشود یك نسخه از آن در پرونده دعوی و نسخه دیگر پس از ابلاغ بمحکوم علیه در پرونده اجرائی بایگانی میگردد و یك نسخه نیز در موقع ابلاغ بمحکوم علیه داده میشود.

ماده ۸ - ابلاغ اجرائیه طبق مقررات آئین دادرسی مدنی بعمل میآید و آخرین محل ابلاغ بمحکوم علیه در پرونده دادرسی برای ابلاغ اجرائیه سابقه ابلاغ محسوب است

ماده ۹ - در مواردیکه ابلاغ اوراق راجع بدعوی طبق ماده ۱۰۰ قانون آئین دادرسی مدنی بعمل آمده و تا قبل از صدور اجرائیه محکوم علیه محکوم علیه محل اقامت خود را بدادگاه اعلام نکرده باشد مفاد اجرائیه یک نوبت بترتیب مقرر در مادتین ۱۱۸ و ۱۱۹ این قانون آگهی میگردد و ده روز پس از آن بموقع اجرا گذاشته میشود. در این صورت برای عملیات اجرائی ابلاغ یا اخطار دیگری به محکوم علیه لازم نیست مگر اینکه محکوم علیه محلاقامت خود را کتباً بقسمت اجرا اطلاع دهد. مفاد این ماده باید در آگهی مزبور قید شود

ماده ۱۰ - اگر محکوم علیه قبل از ابلاغ اجرائیه محجور یا فوت شود اجرائیه حسب مورد به ولی،قیم، امین، وصی، ورثه یا مدیر ترکه او ابلاغ میگردد و هر گاه حجر یا فوت محکوم علیه بعد از ابلاغ اجرائیه باشد مفاد اجرائیه و عملیات انجام شده بوسیله ابلاغ اخطاریه بآنها اطلاع داده خواهدشد

ماده ۱۱ - هر گاه در صدور اجرائیه اشتباهی شده باشد دادگاه میتواند رأساً یا بدرخواست هر یك از طرفین باقتضای مورد اجرائیه را ابطال یاتصحیح نماید یا عملیات اجرائی را الغاء کند و دستور استرداد مورد اجرا را بدهد

## مبحث دوم - دادورزها (مأمورین اجرا)

ماده ۱۲ - مدیر اجرا تحت ریاست و مسئولیت دادگاه انجام وظیفه میکند و بقدر لزوم و تحت نظر خود دادورز ( مأمور اجرا) خواهد داشت

ماده ۱۳ - اگر دادگاه دادورز (مأمور اجرا) نداشته باشد و یا دادورز (مأمور اجرا) بتعداد کافی نباشد میتوان احکام را بوسیله مدیر دفتر یاکارمندان دیگر دادگاه یا مأمورین شهربانی یا ژاندارمری اجراء کرد.

ماده ۱۴ - در صورتیکه حین اجرای حکم نسبت بدادورزها (مأمورین اجرا) مقاومت یا سوء رفتاری شود میتوانند حسب مورد از مأمورین شهربانی، ژاندارمری و یا دژبانی برای اجرای حکم کمك بخواهند، مأمورین مزبور مكلف بانجام آن میباشند

ماده ۱۵ - هر گاه مأمورین مذکور در ماده قبل درخواست دادورز (مأمور اجرا) را انجام ندهند دادورز (مأمور اجرا) صورتمجلسي در این خصوصتنظیم میکند تا توسط مدیر اجرا براي تعقیب بمرجع صلاحیتدار فرستاده شود

ماده ۱۶ - هر گاه نسبت بدادورز (مأمور اجرا) حین انجام وظیفه توهین یا مقاومت شود مأمور مزبور صورتمجلسي تنظیم نموده بامضاء شهودو مأمورین انتظامي (در صورتیکه حضور داشته باشند) میرساند

ماده ۱۷ - کسانیکه مانع دادورز (مأمور اجرا) از انجام وظیفه شوند علاوه بر مجازات مقرر در قوانین کیفری مسئول خسارات ناشی از عمل خود نیزمیباشند.

ماده ۱۸ - مدیران و دادورزها (مأمورین اجرا) در موارد زیر نمیتوانند قبول مأموریت نمایند:

۱ - امر اجرا راجع بهمسر آنها باشد.

۲ - امر اجرا راجع باشخاصي باشد که مدیر و یا دادورز (مأمور اجرا) با آنان قرابت نسبي یا سببي تا درجه سوم دارد.

۳ - مدیر یا دادورز (مأمور اجرا) قیم یا وصی یکی از طرفین یا کفیل
 امور او باشد

۴ - وقتیکه امر اجرا راجع بکسانی باشد که بین آنان و مدیر یا دادورز (مأمور اجرا) یا همسر آنان دعوی مدنی یا کیفری مطرح است. در هر یك از موارد مذکور در این ماده اجرای حکم از طرف رئیس دادگاه بمدیر یا دادورز (مأمور اجرا) دیگری محول میشود و اگر در آن حوزه مدیر یامأمور دیگری نباشد اجرای حکم بوسیله مدیر دفتر یا کارمند دیگر دادگاه یا حسب مورد مأموران شهربانی و ژاندارمری بعمل خواهد آمد.

## مبحث سوم - ترتیب اجرا

ماده ۱۹ - اجرائیه بوسیله قسمت اجرا دادگاهی که آن را صادر کرده به موقع اجرا گذاشته میشود.

ماده ۲۰ - هر گاه تمام یا قسمتی از عملیات اجرائی باید در حوزه دادگاه دیگری بعمل آید مدیر اجرا انجام عملیات مزبور را به قسمت اجرا دادگاه آن حوزه محول میکند

ماده ۲۱ - مدیر اجرا برای اجرای حکم پرونده ای تشکیل میدهد تا اجرائیه و تقاضاها و کلیه برگهای مربوط، بترتیب در آن بایگانی شود.

ماده ۲۲ - طرفین میتوانند پرونده اجرائي را ملاحظه و از محتویات آن رونوشت یا فتوکپي بمیزان مقرر در قانون آئین دادرسي مدني اخذ میشود

ماده ۲۳ - پس از ابلاغ اجرائیه مدیر اجراء نام دادورز (مأمور اجرا) را در ذیل اجرائیه نوشته و عملیات اجرائی را بعهده او محول میکند

ماده ۲۴ - دادورز (مأمور اجرا) بعد از شروع باجرا نميتواند اجراي حكم را تعطيل يا توقيف يا قطع نمايد يا بتأخير اندازد مگر بموجب قراردادگاهي كه دستور اجراي حكم را داده يا دادگاهي كه صلاحيت صدور دستور تأخير اجراي حكم را دارد يا با ابراز رسيد محكومله دائر به وصول محكوم به يا رضايت كتبي او در تعطيل يا توقيف يا قطع يا تأخير اجراء.

ماده ۲۵ - هر گاه در جریان اجرای حکم اشکالی پیش آید دادگاهی که حکم تحت نظر آن اجراء میشود رفع اشکال مینماید

ماده ۲۶ - اختلاف ناشي از اجراي احكام راجع بدادگاهي است كه حكم توسط آن دادگاه اجرا ميشود

ماده ۲۷ - اختلافات راجع بمفاد حکم همچنین اختلافات مربوط باجرای احکام که از اجمال یا ابهام حکم یا محکوم به حادث شود در دادگاهیکه حکم را صادر کرده رسیدگی میشود.

ماده ۲۸ - رأي داوري كه موضوع آن معين نيست قابل اجراء نميباشد

مرجع رفع اختلاف ناشي از اجراي رأي داوري دادگاهي است كه اجرائيه صادر كرده است.

ماده ۲۹ - در مورد حدوث اختلاف در مفاد حکم هر یك از طرفین میتواند رفع اختلاف را از دادگاه بخواهد. دادگاه در وقت فوق العاده رسیدگی ورفع اختلاف میکند و در صورتیکه محتاج رسیدگی بیشتری باشد رونوشت درخواست را بطرف مقابل ابلاغ نموده طرفین را در جلسه خارج از نوبتبرای رسیدگی دعوت میکند ولی عدم حضور آنها باعث تأخیر رسیدگی نخواهد شد

ماده ۳۰ - درخواست رفع اختلاف موجب تأخیر اجرای حکم نخواهد شد مگر اینکه دادگاه قرار تأخیر اجرای حکم را صادر نماید.

ماده ۳۱ - هر گاه محکوم علیه فوت یا محجور شود عملیات اجرائی حسب مورد تا زمان معرفی ورثه، ولی، وصی، قیم محجور یا امین و مدیر ترکه متوقف میگردد و قسمت اجرا بمحکوم له اخطار میکند تا اشخاص مذکور را با ذکر نشانی و مشخصات کامل معرفی نماید و اگر مالی توقیف نشده باشد دادورز (مأمور اجرا) میتواند بدرخواست محکوم له معادل محکوم به از ترکه متوفی یا اموال محجور توقیف کند.

ماده ۳۲ - حساب مواعد مطابق مقررات آئین دادرسی مدنی است و مدتیکه عملیات اجرائی توقیف میشود به حساب نخواهد آمد

ماده ۳۳ - هر گاه محکوم علیه بازرگان بوده و در جریان اجراء ورشکسته شود مراتب از طرف مدیر اجرا باداره تصفیه یا مدیر تصفیه اعلام میشودتا طبق مقررات راجع به تصفیه امور ورشکستگی اقدام گردد

ماده ۳۴ - همینکه اجرائیه بمحکومعلیه ابلاغ شد محکومعلیه مکلف است ظرف ده روز مفاد آنرا بموقع اجرا بگذارد یا ترتیبی برای پرداختمحکوم به بدهد یا مالی معرفی کند که اجرای حکم و استیفاء محکوم به از آن میسر باشد و در صورتیکه خود را قادر به اجرای مفاد اجرائیه نداند بایدظرف مهلت مزبور جامع دارائی خود را بقسمت اجرا تسلیم کند و اگر مالی ندارد صریحاً اعلام نماید هر گاه ظرف سه سال بعد از انقضاء مهلت مذکورمعلوم شود که محکومعلیه قادر باجرای حکم و پرداخت محکوم به بوده لیکن برای فرار از آن اموال خود را معرفی نکرده یا صورت خلاف واقع ازدارائی خود داده بنحویکه اجرای تمام یا قسمتی از مفاد اجرائیه متعسر گردیده باشد بخبس جنحهای از شصت و یکروز تا شش ماه محکومخواهد شد.

تبصره - شخص ثالث نيز ميتواند بجاي محكوم عليه براي استيفاي محكوم به مالي معرفي كند

ماده ۳۵ - بدهکاری که در مدت مذکور قادر بپرداخت بدهی خود نبوده مکلف است هر موقع که به تأدیه تمام یا قسمتی از بدهی خود متمکنگردد آن را بپردازد و هر بدهکاری که ظرف سه سال از تاریخ انقضای مهلت مقرر قادر بپرداخت تمام یا قسمتی از بدهی خود شده و تا یکماه از تاریخ امکان پرداخت آنرا نپردازد و یا مالی به مسئول اجرا معرفی نکند بمجازات مقرر در ماده قبل محکوم خواهد شد.

تبصره ۱ - محكومله ميتواند بعد از ابلاغ اجرائيه و قبل از انقضاي مهلت مقرر در مواد قبل اموال محكوم عليه را براي تأمين محكوم به بقسمت اجرا معرفي كند و قسمت اجرا مكلف بقبول آنست. پس از انقضاي مهلت مزبور نيز در صورتيكه محكوم عليه مالي معرفي نكرده باشد كه اجراي حكم و استيفاي محكوم به از آن ميسر باشد محكوم له ميتواند هر وقت مالي از محكوم عليه بدست آيد استيفاي محكوم به را از آن مال بخواهد

تبصره ۲ - تعقیب کیفری جرائم مندرج در مواد ۳۴ و ۳۵ منوط بشکایت شاکی خصوصی است و در صورت گذشت او تعقیب یا اجرای مجازاتموقوف میگردد

ماده ۳۶ - در مواردیکه مفاد اجرائیه از طریق انتشار آگهی بمحکوم علیه ابلاغ میشود در صورتیکه باموال او دسترسی باشد بتقاضای محکوم له معادل محکوم به از اموال محکوم علیه توقیف میشود.

ماده ۳۷ - محکومله میتواند طریق اجرای حکم را بدادورز (مأمور اجرا) ارائه دهد و در حین عملیات اجرائی حاضر باشد ولی نمیتواند دراموریکه از وظایف دادورز (مأمور اجرا) است دخالت نماید

ماده ۳۸ - دادورز (مأمور اجرا) محکوم به را بمحکومله تسلیم نموده برگ رسید میگیرد و هر گاه محکوم به نباید بمشارالیه داده شود یا دسترسیبه محکومله نباشد مراتب را جهت صدور دستور مقتضی به دادگاهی که اجرائیه صادر کرده است اعلام میکند.

ماده ۳۹ - هر گاه حكمي كه بموقع اجرا گذارده شده بر اثر فسخ يا نقض يا اعاده دادرسي بموجب حكم نهائي بلااثر شود عمليات اجرائي بدستور دادگاه اجراكننده حكم بحالت قبل از اجرا بر ميگردد و در صورتيكه محكوم به عين معين بوده و استرداد آن ممكن نباشد دادورز (مأمور اجرا)مثل يا قيمت آنرا وصول مينمايد. اعاده عمليات اجرائي بدستور دادگاه بترتيبي كه براي اجراي حكم مقرر است بدون صدور اجرائيه بعمل ميآيد.

ماده ۴۰ - محکومله و محکومعلیه میتواند برای اجرای حکم قراری گذارده و مراتب را بقسمت اجرا اعلام دارند

ماده ۴۱ - هر گاه محکوم علیه طوعاً حکم دادگاه را اجرا نماید دادورز (مأمور اجرا) بترتیب مقرر در این قانون اقدام باجرای حکم میکند

ماده ۴۲ - هر گاه محکوم به عین معین منقول یا غیر منقول بوده و تسلیم آن بمحکومله ممکن باشد دادورز (مأمور اجرا) عین آنرا گرفته و بهمحکومله میدهد.

ماده ۴۳ - در مواردیکه حکم خلع ید علیه متصرف ملك مشاع بنفع مالك قسمتی از ملك مشاع صادر شده باشد از تمام ملك خلع ید میشود،ولی تصرف محکومله در ملك خلع ید شده مشمول مقررات املاك مشاعی است.

ماده ۴۴ - اگر عین محکوم به در تصرف کسی غیر از محکوم علیه باشد این امر مانع اقدامات اجرائی نیست مگر اینکه متصرف مدعی حقی از عینیا منافع آن بوده و دلائلی هم ارائه نماید در این صورت دادورز (مأمور اجرا) یك هفته باو مهلت میدهد تا بدادگاه صلاحیتدار مراجعه کند و درصورتیکه ظرف پانزده روز از تاریخ مهلت مذکور قراری دائر بتأخیر اجرای حکم بقسمت اجرا ارائه نگردد عملیات اجرائی ادامه خواهد یافت

ماده ۴۵ - هر گاه در محلي که بايد خلع يد شود اموالي از محکوم عليه يا شخص ديگري باشد و صاحب مال از بردن آن خودداري کند و يا باودسترسي نباشد دادورز (مأمور اجرا) صورت تفصيلي اموال مذکور را تهيه و بترتيب زير عمل ميکند:

۱ - اسناد و اوراق بهادار و جواهر و وجه نقد بصندوق دادگستري یا یکي از بانکها سپرده میشود. ۲ - اموال ضایع شدني و اشیائي که بهاي آنها متناسب با هزینه نگاهداري نباشد بفروش رسیده و حاصل فروش پس از کسر هزینههاي مربوط بصندوق دادگستري سپرده میشود تا بصاحب آن مسترد گردد.

۳ - در مورد سایر اموال دادورز (مأمور اجرا) آنها را در همان محل یا محل مناسب دیگری محفوظ نگاهداشته و یا بحافظ سپرده و رسید دریافت میدارد

ماده ۴۶ - اگر محکوم به عین معین بوده و تلف شده و یا بآن دسترسی نباشد قیمت آن با تراضی طرفین و در صورت عدم تراضی بوسیله دادگاه تعیین و طبق مقررات این قانون از محکوم علیه وصول میشود و هر گاه محکوم به قابل تقویم نباشد محکوم له میتواند دعوی خسارت اقامه نماید.

ماده ۴۷ - هر گاه محکوم به انجام عمل معینی باشد و محکوم علیه از انجام آن امتناع ورزد و انجام عمل به توسط شخص دیگری ممکن باشدمحکوم له میتواند تحت نظر دادورز (مأمور اجرا) آن عمل را وسیله دیگری انجام دهد و هزینه آنرا مطالبه کند و یا بدون انجام عمل هزینه لازم را بوسیله قسمت اجرا از محکوم علیه مطالبه نماید. در هر یك از موارد مذکور دادگاه با تحقیقات لازم و در صورت ضرورت با جلب نظر کارشناس میزان هزینه و معین مینماید.

وصول هزینه مذکور و حقالزحمه کارشناس از محکوم علیه به ترتیبی است که برای وصول محکوم به نقدی مقرر است

تبصره - در صورتیکه انجام عمل توسط شخص دیگری ممکن نباشد مطابق ماده ۷۲۹ آئین دادرسی مدنی انجام خواهد شد

ماده ۴۸ - در صورتیکه در ملك مورد حکم خلع ید زراعت شده و تکلیف زرع در حکم معین نشده باشد بترتیب زیر رفتار میشود:

اگر موقع برداشت محصول رسیده باشد محکومعلیه باید فوراً محصول را بردارد والا دادورز (مأمور اجرا) اقدام به برداشت محصول نموده و هزینههایمربوط را تا زمان تحویل محصول به محکومعلیه از او وصول مینماید. هرگاه موقع برداشت محصول نرسیده باشد اعم از اینکه بذر روئیده یا نروئیدهباشد محکومله مخیر است که بهای زراعت را بپردازد و ملك را تصرف کند یا ملك را تا زمان رسیدن محصول بتصرف محکومعلیه باقی بگذارد واجرتالمثل بگیرد. تشخیص بهای زراعت و اجرتالمثل با دادگاه خواهد بود و نظر دادگاه در این مورد قطعی است.

فصل دوم - توقيف اموال

مبحث اول - مقررات عمومي

ماده ۴۹ - در صورتیکه محکوم علیه در مو عدیکه برای اجرای حکم مقرر است مدلول حکم را طوعاً اجرا ننماید یا قراری با محکوم له برای اجرای حکم اجرای حکم ندهد و مالی هم معرفی نکند یا مالی از او تأمین و توقیف نشده باشد محکوم له میتواند در خواست کند که از اموال محکوم علیه معادل محکوم به توقیف گردد.

ماده ۵۰ - دادورز (مأمور اجرا) باید پس از درخواست توقیف بدون تأخیر اقدام بتوقیف اموال محکوم علیه نماید و اگر اموال در حوزه دادگاه دیگری باشد توقیف آنرا از قسمت اجرای دادگاه مذکور بخواهد.

ماده ۵۱ - از اموال محكوم عليه بميزاني توقيف ميشود كه معادل محكوم به و هزينه هاي اجرائي باشد ولي هر گاه مال معرفي شده ارزش بيشتري داشته و قابل تجزيه نباشد تمام آن توقيف خواهد شد در اينصورت اگر مال غير منقول باشد مقدار مشاعي از آن كه معادل محكوم به و هزينه هاي اجرائي باشد توقيف ميگردد

ماده ۵۲ - اگر مالي از محكوم عليه تأمين و توقيف شده باشد استيفاء محكوم به از همان مال بعمل ميآيد مگر آنكه مال تأمين شده تكافوي محكوم به را نكند كه در اينصورت معادل بقيه محكوم به از ساير اموال محكوم عليه توقيف ميگردد

ماده ۵۳ - هر گاه مالي از محكوم عليه در قبال خواسته يا محكومبه توقف شده باشد محكوم عليه ميتواند يكبار تا قبل از شروع بعمليات راجعبه فروش درخواست تبديل مالي را كه توقيف شده است بمال ديگري بنمايد مشروط بر اينكه مالي كه پيشنهاد ميشود از حيث قيمت و سهولت فروش از مالي كه قبلاً توقيف شده است كمتر نباشد. محكوم له نيز ميتواند يكبار تا قبل از شروع به عمليات راجع بفروش درخواست تبديل مال توقيف شده را بنمايد. در صورتيكه محكوم عليه يا محكوم اله به تصميم قسمت اجرا معترض باشند ميتواند بدادگاه

صادر کننده اجرائیه مراجعه نمایند تصمیم دادگاه در این مورد قطعی است.

ماده ۵۴ - اگر مالي که توقیف آن تقاضا شده وثیقه دیني بوده یا در مقابل طلب دیگري توقیف شده باشد قسمت اجراء بدرخواست محکومله توقیف مازاد ارزش مال مزبور را حسب مورد باداره ثبت یا مرجعي که قبلاً مال را توقیف کرده است اطلاع میدهد در اینصورت اگر مال دیگري بتقاضاي محکومله توقیف شود که تکافوي طلب او را بنماید از توقیف مازاد رفع اثر خواهد شد. در صورت فك وثیقه یا رفع توقیف اصل مال، توقیف مازاد خودبخود بتوقیف اصل مال تبدیل میشود.

در این مورد هر گاه محکوم علیه بعنوان عدم تناسب بهای مال با میزان بدهی معترض باشد بهزینه او مال ارزیابی شده از مقدار زائد بر بدهی رفع توقیف خواهد شد

ماده ۵۵ - در مورد مالي که وثیقه بوده یا در مقابل مطالباتي توقیف شده باشد محکومله میتواند تمام دیون و خسارات قانوني را با حقوق دولتحسب مورد در صندوق ثبت یا دادگستري تودیع نموده تقاضاي توقیف مال و استیفاي حقوق خود را از آن بنماید در اینصورت وثیقه و توقیفهاي سابق فك و مال بابت طلب او و مجموع وجوه تودیع شده بلافاصله توقیف میشود

ماده ۵۶ - هر گونه نقل و انتقال اعم از قطعي و شرطي و رهني نسبت بمال توقیف شده باطل و بلااثر است.

ماده ۵۷ - هر گونه قرارداد یا تعهدی که نسبت بمال توقیف شده بعد از توقیف بضرر محکومله منعقد شود نافذ نخواهد بود مگر اینکه محکوملهکتباً رضایت دهد.

ماده ۵۸ - در صورتیکه محکومعلیه، محکوم به و خسارات قانونی را تأدیه نماید قسمت اجرا از مال توقیف شده رفع توقیف خواهد کرد

ماده ۵۹ - محكوم عليه ميتواند با نظارت دادورز (مأمور اجرا) مال توقيف شده را بفروشد مشروط بر اينكه حاصل فروش به تنهائي براي پرداخت محكوم به و هزينه هاي اجرائي كافي باشد و اگر مال در مقابل قسمتي از محكوم به توقيف شده حاصل فروش نباشد از مبلغي كه در قبال آن توقيف بعمل آمده كمتر باشد

ماده ۴۰ - عدم حضور محكومله و محكوم عليه مانع از توقيف مال نميشود ولى توقيف مال بطرفين اعلام خواهد شد.

مبحث دوم - در توقیف اموال منقول

ماده ۴۱ - مال منقولي كه در تصرف كسي غير از محكوم عليه باشد و متصرف نسبت بآن ادعاي مالكيت كند يا آنرا متعلق بديگري معرفي نمايد بعنوان مال محكوم عليه توقيف نخواهد شد. در صورتيكه خلاف ادعاي متصرف ثابت شود مسئول جبران خسارت محكوم له خواهد بود.

ماده ۴۲ - اموال منقولي كه خارج از محل سكونت يا محل كار محكوم عليه باشد در صورتي توقيف ميشود كه دلائل و قرائن كافي بر احراز ازمالكيت او در دست باشد.

ماده ۴۳ - از اموال منقول موجود در محل سكونت زوجين آنچه معمولاً و عادتاً مورد استفاده اختصاصي زن باشد متعلق بزن و آنچه مورد استفاده اختصاصي مرد باشد متعلق به شوهر و بقیه از نظر مقررات این قانون مشترك بین آنان محسوب میشود مگر این که خلاف آن ثابت گردد.

ماده ۴۴ - اگر مال معرفي شده در جائي باشد که در آن بسته باشد و از باز کردن آن خودداري نمايند دادورز (مأمور اجرا) با حضور مأمور شهرباني ياژاندارمري يا دهبان محل اقدام لازم براي باز کردن در و توقيف مال معمول ميدارد و در مورد باز کردن محلي که کسي در آن نيست حسب مورد نمايندهدادستان يا دادگاه بخش مستقل نيز بايد حضور داشته باشد

ماده ۴۵ - اموال زیر برای اجرای حکم توقیف نمیشود:

۱ - لباس و اشیاء و اسبابي که براي رفع حوائج ضروري محکومعلیه و خانواده او لازم است.

٢ - آذوقه بقدر احتياج يكماهه محكوم عليه و اشخاص واجبالنفقه او.

٣ - وسائل و ابزار كار ساده كسبه و پيشهوران و كشاورزان.

۴ - اموال و اشیائی که بموجب قوانین مخصوص غیر قابل توقیف میباشند.

تبصره - تصنیفات و تألیفات و ترجمههائی که هنوز بچاپ نرسیده بدون رضایت مصنف و مؤلف و مترجم و در صورت فوت آنها بدون رضایت ورثه یا قائممقام آنان توقیف نمیشود.

ماده ۴۶ - اموال ضایع شدنی بلافاصله و اموالی که ادامه توقیف آن مستلزم هزینه نامتناسب یا کسر فاحش قیمت است فوراً ارزیابی و با تصویبدادگاه بدون رعایت تشریفات راجع بتوقیف و مزایده بفروش میرسد لیکن قبل از فروش باید صورتی از اموال مزبور برداشته شود.

مبحث سوم - صورتبرداري اموال منقول

ماده ۴۷ - دادورز (مأمور اجرا) باید قبل از توقیف اموال منقول، صورتی که مشتمل بر وصف کامل اموال از قبیل نوع - عدد - وزن -

اندازه و غیره که با تمام حروف و اعداد باشد تنظیم نماید، در مورد طلا و نقره عیار آنها (هر گاه عیار آنها معین باشد) و در جواهرات اسامی و مشخصات آنها و درکتاب، نام کتاب و مؤلف و مترجم و خطی یا چاپی بودن آن با ذکر تاریخ تحریر یا چاپ و در تصویر و پرده نقاشی خصوصیات و اسم نقاش (اگر معلومباشد) و در مصنوعات، ساخت و مدل و در مورد فرش بافت و رنگ و در مورد سیام و اوراق بهادار نوع و تعداد و مبلغ اسمی آن و بطور کلی در هرمورد مشخصات و خصوصیاتی که معرف کامل مال باشد نوشته میشود

ماده ۴۸ - تراشیدن و پاك كردن و الحاق و نوشتن بین سطرها در صورت اموال ممنوع است و اگر سهو و اشتباهي رخ داده باشد دادورز (مأمور اجرا)در ذیل صورت آنرا تصحیح و به امضاء حاضران میرساند

ماده ۶۹ - هر گاه اشخاص ثالث نسبت باموالیکه توقیف میشود اظهار حقی نمایند دادورز (مأمور اجرا) مشخصات اظهارکننده و خلاصه اظهارات او را قید میکند

ماده ۷۰ - هر گاه محکومله و محکومعلیه یا نماینده قانونی آنها حاضر بوده و راجع به تنظیم صورت ایراد و اظهاری نمایند دادورز (مأمور اجرا) ایرادو اظهار آنان را با جهات رد یا قبول در آخر صورت قید میکند. طرفین اگر حاضر باشند ظرف یك هفته از تاریخ تنظیم صورت حق شكایت خواهندداشت والا صورت اموال از طرف

قسمت اجرا به طرف غایب ابلاغ میشود و طرف غایب حق دارد ظرف یکهفته از تاریخ ابلاغ شکایت نماید.

ماده ۷۱ - در صورت اموال باید تاریخ و ساعت شروع و ختم عمل نوشته شود و بامضاء دادورز (مأمور اجرا) و حاضران برسد هر گاه محکومله ومحکومعلیه یا نماینده قانونی آنها از امضاء ذیل صورت اموال امتناع نمایند مراتب در صورت قید میشود

ماده ۷۲ - دادورز (مأمور اجرا) به تقاضاي محكومله يا محكوم عليه رونوشت گواهي شده از صورت اموال را به آنها خواهد داد.

مبحث چهارم - ارزيابي اموال منقول

ماده ۷۳ - ارزیابی اموال منقول حین توقیف بعمل میآید و در صورت اموال درج میشود قیمت اموال را محکومله و محکومعلیه بتراضی تعیین مینمایند و هر گاه طرفین حین توقیف حاضر نباشند یا حاضر بوده و در تعیین قیمت تراضی ننمایند ارزیاب معین میشود

ماده ۷۴ - ارزیاب بتراضی طرفین معین میشود. در صورت عدم تراضی یا عدم حضور محکومعلیه دادورز (مأمور اجرا) از بین کارشناسان رسمی و در صورت نبودن کارشناس رسمی از بین اشخاص معتمد و خبره ارزیاب معین میکند و هر گاه در حین توقیف

بارزیاب دسترسی نباشد قیمتی کهمحکومله تعیین کرده برای توقیف مال ملاك عمل قرار خواهد بود. در اینصورت دادورز (مأمور اجرا) بقید فوریت نسبت به تعیین ارزیاب و تقویممال اقدام خواهد کرد

ماده ۷۵ - قسمت اجرا ارزیابی را بلافاصله بطرفین ابلاغ مینماید.

هریك از طرفین میتواند ظرف سه روز از تاریخ ابلاغ ارزیابی

بنظریه ارزیاباعتراض نماید، این اعتراض در دادگاهی که حکم

بوسیله آن اجرا میشود، مورد رسیدگی قرار میگیرد و در صورت

ضرورت با تجدید ارزیابی قیمتمال معین میشود، تشخیص دادگاه در

این مورد قطعی است

ماده ۷۶ - حقالزحمه ارزیاب با در نظر گرفتن کمیت و کیفیت و ارزش کار بوسیله دادورز (مأمور اجرا) معین میگردد و پرداخت آن بعهدهمحکومعلیه است. هر گاه نسبت بمیزان حقالزحمه اعتراضی باشد دادگاه در این مورد تصمیم مقتضی اتخاذ خواهد کرد. هر گاه محکومعلیه از پرداخت حقالزحمه ارزیاب امتناع نماید محکومله میتواند آن را بپردازد. در اینصورت دادورز (مأمور اجرا) وجه مزبور را ضمن اجرای حکم از محکومعلیه وصول و به محکومله خواهد داد. پرداخت حقالزحمه در مورد ماده قبل بعهده معترض است و اگر ظرف سه روز از تاریخ ابلاغ اخطار نپردازد به اعتراض او ترتیب اثر داده نخواهد شد

مبحث ينجم - حفظ اموال منقول توقيف شده

ماده ۷۷ - اموال توقیف شده در همان جا که هست حفظ میشود مگر اینکه نقل اموال بمحل دیگری ضرورت داشته باشد

ماده ۷۸ - اموال توقیف شده براي حفاظت بشخص مسئولي سپرده میشود. حافظ با توافق طرفین تعیین میگردد و در صورتیکه طرفین حین توقیف حاضر نباشند و یا در انتخاب حافظ تراضي ننمایند دادورز (مأمور اجرا) شخص قابل اعتمادي را معین میکند. اوراق بهادار و جواهر و امثال آنهادر صورت اقتضا در یکي از بانکها به امانت گذاشته میشود

ماده ۷۹ - اموال توقیف شده بدون تراضي کتبي طرفین باشخاص ذیل سپرده نمیشود:

١ - اقرباي سببي و نسبي دادورز (مأمور اجرا) تا درجه سوم.

۲ - محکومله و محکومعلیه و همسر آنان و کسانیکه با طرفین قرابت نسبی یا سببی تا درجه سوم دارند.

ماده ۸۰ - اموال توقیف شده و رونوشت صورت اموال بشخصی که مسئولیت حفظ را بعهده گرفته تحویل و رسید اخذ میگردد

ماده ۸۱ - شخص حافظ میتواند اجرت بخواهد و هر گاه در میزان اجرت تراضی نشود مدیر اجراء با توجه به کمیت و کیفیت مال و مدت حفاظت میزان آن را تعیین مینماید.

ماده ۸۲ - اجرت حافظ را اگر محکوم علیه تأدیه نکند محکوم له میپردازد و از حاصل فروش اشیاء توقیف شده استیفاء مینماید. در صورت مطالبه اجرت از طرف حافظ و عدم تأدیه آن مدیر اجرا بمحکوم له اخطار میکند که ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ اخطار اجرت حافظ را بپردازد

ماده ۸۳ - حافظ نسبت به اموال توقیف شده امین است و حق ندارد اموال توقیف شده را مورد استفاده قرار داده یا به کسی بدهد و بطور کلی هرگاه حافظ مرتکب تعدی یا تفریط گردد مسئول پرداخت خسارت وارده بوده و حق مطالبه اجرت هم نخواهد داشت

ماده ۸۴ - هر گاه اموال توقیف شده منافعی داشته باشد حافظ باید حساب آن را بدهد.

ماده ۸۵ - در صورتیکه حافظ از تسلیم اموال توقیف شده امتناع کند از تاریخ امتناع ضامن محسوب است و دادورز (مأمور اجرا) معادل ارزش مال توقیف شده را از اموال حافظ استیفاء مینماید

ماده ۸۶ - هر گاه حافظ نخواهد یا نتواند اموال توقیف شده را نگاهداری کند و یا اوضاع و احوال تغییر او را ایجاب نماید دادورز (مأمور اجرا) پس ازتصویب دادگاه حافظ دیگری معین خواهد کرد.

مبحث ششم - توقیف اموال منقول محکومعلیه که نزد شخص ثالث است

ماده ۸۷ - هر گاه مال متعلق بمحکوم علیه نزد شخص ثالث اعم از حقوقی یا حقیقی باشد یا مورد درخواست توقیف، طلبی باشد که محکوم علیه از شخص ثالث دارد اخطاری در باب توقیف مال یا طلب و میزان آن به پیوست رونوشت اجرائیه بشخص ثالث ابلاغ و رسید دریافت میشود و مراتبفوراً به محکوم علیه نیز ابلاغ میگردد.

ماده ۸۸ - شخص ثالث پس از ابلاغ اخطار توقیف نباید مال یا طلب توقیف شده را به محکوم علیه بدهد و مکلف است طبق دستور مدیر اجرا عملنماید، در صورت تخلف مسئول جبران خسارت وارده به محکومله خواهد بود

ماده ۸۹ - هر گاه مالي که نزد شخص ثالث توقیف شده عین معین یا وجه نقد یا طلب حال باشد شخص ثالث باید در صورت مطالبه آنرا به دادورز(مأمور اجرا) بدهد و رسید دریافت دارد این رسید بمنزله سند تأدیه وجه یا دین یا تحویل عین معین از طرف شخص ثالث به محکوم علیه خواهد بود

ماده ۹۰ - در موردیکه شخص ثالث دین خود را باقساط یا اجور و عوائدی را بتدریج به محکوم علیه میپردازد و محکوم له تقاضای استیفاءمحکوم به را از آن بنماید دادورز (مأمور اجرا) به شخص ثالث اخطار میکند که اقساط یا عوائد و اجور مقرر را به قسمت اجرا تسلیم نماید

ماده ۹۱ - هر گاه شخص ثالث منکر وجود تمام یا قسمتی از مال یا طلب یا اجور و عواید محکوم علیه نزد خود باشد باید ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ اخطاریه مراتب را بقسمت اجرا اطلاع دهد

ماده ۹۲ - هر گاه شخص ثالث بتكليف مقرر در ماده قبل عمل نكند و يا بر خلاف واقع منكر وجود تمام يا قسمتي از مال يا طلب يا اجور و عوائدمحكوم عليه نزد خود گردد و يا اطلاعاتي كه داده موافق با واقع نباشد و موجب خسارت شود محكوم له ميتواند براي جبران خسارت به دادگاه صلاحيتدار مراجعه نمايد

ماده ۹۳ - اگر شخص ثالث از تسلیم عین مال توقیف شده امتناع نماید و دادورز (مأمور اجرا) بآن مال دسترسی پیدا نکند معادل قیمت آن ازدارائی او برای استیفاء محکوم به توقیف خواهد شد. در صورتیکه شخص ثالث مدعی باشد که مال قبل از مطالبه قسمت اجرا بدون تعدی و تفریط او از بین رفته میتواند به دادگاه دادخواست دهد

دادگاهدر صورتیکه دلائل او را موجه تشخیص دهد قراری در باب توقیف عملیات اجرائی تا تعیین تکلیف نهائی صادر میکند.

ماده ۹۴ - هر گاه شخص ثالث از تأدیه وجه نقد یا طلب حال که نزد او توقیف شده امتناع نماید بمیزان وجه مزبور از دارائی او توقیف خواهد شد

ماده ۹۵ - شخص ثالثي كه مال محكوم عليه نزد او توقيف شده ميتواند مال مزبور را هر وقت بخواهد بقسمت اجرا تسليم كند و قسمت اجرا بايدآن را قبول نمايد.

## مبحث هفتم - توقيف حقوق مستخدمين

ماده ۹۶ - از حقوق و مزایای کارکنان سازمانها و مؤسسات دولتی یا و ابسته بدولت و شرکتهای دولتی و شهرداریها و بانکها و شرکتها و بنگاههای خصوصی و نظائر آن در صورتیکه داری زن یا فرزند باشند ربع و الا ثلث توقیف میشود.

تبصره ۱ - توقیف و کسر یك چهارم حقوق بازنشستگي یا وظیفه افراد موضوع این ماده جایز است مشروط بر اینکه دین مربوط بشخص بازنشسته یا وظیفه بگیر باشد.

تبصره ۲ - حقوق و مزایای نظامیانی که در جنگ هستند توقیف نمیشود

ماده ۹۷ - در مورد ماده فوق مدیر اجرا مراتب را بسازمان مربوط ابلاغ مینماید و رئیس یا مدیر سازمان مکلف است از حقوق و مزایای محکوم علیه کسر نموده و بقسمت اجرا بفرستد.

ماده ۹۸ - توقیف حقوق و مزایای استخدامی مانع از این نیست که اگر مالی از محکوم علیه معرفی شود برای استیفای محکوم به توقیف گردد ولیاگر مال معرفی شده برای استیفای محکوم به کافی باشد توقیف حقوق و مزایای استخدامی محکوم علیه موقوف میشود.

مبحث هشتم - توقیف اموال غیر منقول

ماده ۹۹ - قسمت اجرا توقیف مال غیر منقول را با ذکر شماره پلاك و مشخصات ملك بطرفین و اداره ثبت محل اعلام میكند

ماده ۱۰۰۰ - اداره ثبت پس از اعلام توقیف در صورتیکه ملك بنام محکوم علیه ثبت شده باشد مراتب را در دفتر املاك و اگر ملك در جریان ثبت باشد در دفتر ملك بازداشتي و پرونده ثبتي قید نموده بقسمت اجرا اطلاع میدهد و اگر ملك به نام محکوم علیه نباشد فوراً به قسمت اجرا اعلام میدارد.

ماده ۱۰۱ - توقیف مال غیر منقول که سابقه ندارد بعنوان مال محکوم علیه وقتی جائز است که محکوم علیه در آن تصرف مالکانه داشته باشد. و یامحکوم علیه به موجب حکم نهائی مالك شناخته شده باشد

در موردیکه حکم بر مالکیت محکوم علیه صادر شده ولي بمرحله نهائي نرسیده باشد توقیف مال مزبور در ازاء بدهي محکوم علیه جایز است ولي ادامه عملیات اجرائي موکول به صدور حکم نهائي است.

ماده ۱۰۲ - در صورتیکه عوائد یکساله مال غیر منقول بتشخیص دادگاه برای اداء محکوم به و هزینه اجرائی کافی باشد و محکوم علیه حاضر شود که از عوائد آن ملك، محکوم به داده شود عین ملك توقیف نمیشود و فقط عوائد توقیف و محکوم به از آن وصول میگردد، در اینصورتقسمت اجراء مکلف است مراتب را به ثبت محل اعلام نماید.

ماده ۱۰۳ - توقیف مال غیر منقول موجب توقیف منافع آن نمیگردد.

ماده ۱۰۴ - توقیف محصول املاك و باغات با رعایت مقررات مواد ۲۵۴ تا ۲۵۷ قانون آئین دادرسی مدنی بعمل میآید.

مبحث نهم - صورتبرداري اموال غير منقول

ماده ۱۰۵ - دادورز (مأمور اجرا) پس از توقیف اموال غیر منقول صورت اموال را تنظیم و نسخهای از آن را بمحکومعلیه ابلاغ مینماید تا اگرشکایتی داشته باشد ظرف یك هفته کتباً بقسمت اجراء تسلیم دارد. مدیر اجرا بشکایات مزبور رسیدگی و در صورتیکه شکایت وارد باشد صورتمشخصات مال توقیف شده را اصلاح یا تجدید مینماید.

ماده ۱۰۶ - مراتب زیر باید در صورت اموال غیر منقول قید شود:

١ - تاريخ و مفاد ورقه اجرائيه.

٢ - محلي كه مال غير منقول در آنجا واقع است.

٣ - وصف مال غير منقول با ذكر مشخصات ملك و مالك و اينكه ملك مشاع است يا مفروز و اشخاص ديگر نسبت بآن حقي دارند يا نه و اگرحقي دارند چه نوع حقي است و منافع ملك به كسي واگذار شده است يا خير؟

۴ - حدود ملك و مجاورين آن

ماده ۱۰۷ - در صورتیکه مساحت ملك معین نباشد دادورز (مأمور اجرا) مساحت تقریبی آن را در صورت قید میکند

ماده ۱۰۸ - محکوم علیه حین تنظیم صورت باید اسناد راجع بملك یا مال غیر منقول را به دادورز (مأمور اجرا) ارائه دهد ماده ۱۰۹ - هر گاه راجع بتمام یا قسمتی از ملك توقیف شده دعوائی در جریان باشد مراتب در صورت قید و تصریح میشود که دعوی در چهمرجعی مورد رسیدگی است

مبحث دهم - ارزيابي و حفظ اموال غير منقول

ماده ۱۱۰ - ارزیابی اموال غیر منقول بترتیب مقرر در مواد ۷۳ تا ۷۶ این قانون بعمل خواهد آمد

ماده ۱۱۱ - مال غیر منقول بعد از تنظیم صورت و ارزیابی حسب مورد موقتاً بمالك یا متصرف ملك تحویل میشود و مشارالیه مكلف استملك را همانطوریکه طبق صورت تحویل گرفته تحویل دهد

ماده ۱۱۲ - در صورتیکه عوائد موجود مال غیر منقول توقیف شود به امینی که طرفین معین کردهاند سپرده میشود و در صورت عدم تراضی بشخص امینی که دادورز (مأمور اجرا) معین میکند سپرده خواهد شد ولی اگر عوائد وجه نقد باشد بقسمت اجرا تسلیم میگردد.

فصل سوم - فروش اموال توقیف شده

## مبحث اول - فروش اموال منقول

ماده ۱۱۳ - بعد از تنظیم صورت مال منقول و ارزیابی آن در صورتیکه نسبت بمحل و موعد فروش بین محکومله و محکومعلیه تراضی شدهباشد بهمان ترتیب رفتار میشود و هر گاه بین طرفین تراضی نشده باشد دادورز (مأمور اجرا) مطابق مواد بعد اقدام میکند.

ماده ۱۱۴ - فروش اموال از طریق مزایده بعمل میآید

ماده ۱۱۵ - اگر از طرف دولت یا شهرداری محلی برای فروش اموال منقول معین شده باشد فروش در آن محل بعمل میآید و اگر محلهائی کهمعین شده است متعدد باشد فروش در محل به عمل میآید که برای منافع محکوم علیه ترجیح داده باشد و تشخیص این امر با مدیر اجرا است. هر گاه از طرف دولت یا شهرداری محلی برای فروش معین نشده باشد محل فروش را مدیر اجراء معین میکند.

ماده ۱۱۶ - در مواردیکه حمل اموال منقول بمحل دیگری مخارج زیاد داشته باشد اشیاء توقیف شده در محلی که حفظ میشده بفروش میرسد

ماده ۱۱۷ - موعد فروش را مدیر اجرا نظر به کمیت و کیفیت اموال توقیف شده معین و آگهی مینماید.

ماده ۱۱۸ - آگهي فروش بايد در يكي از روزنامههاي محلي يك نوبت منتشر شود

ماده ۱۱۹ - موعد فروش باید طوری معین شود که فاصله بین انتشار آگهی و روز فروش بیش از یکماه و کمتر از ده روز نباشد

ماده ۱۲۰ - در نقاطي كه روزنامه نباشد همچنین در مورد اموالي كه قیمت آنها بیش از دویست هزار ریال نباشد آگهي بجاي انتشار روزنامه بتعداد كافي در معابر الصاق و تاریخ الصاق در صورتمجلس قید میشود.

ماده ۱۲۱ - محکومله یا محکومعلیه میتوانند علاوه بر آگهی که بتوسط قسمت اجرا بعمل میآید آگهی دیگری بخرج خود منتشر نمایند.

ماده ۱۲۲ - در آگهی فروش مال منقول نکات ذیل تصریح میشود:

١ - نوع و مشخصات اموال توقيف شده.

۲ - روز و ساعت و محل فروش.

۳ - قیمتی که مزایده از آن شروع میشود.

ماده ۱۲۳ - آگهي بايد علاوه بر انتشار در قسمت اجرا و محل فروش هم الصاق شود

ماده ۱۲۴ - در صورتیکه تغییر روز فروش ضرورت پیدا کند مجدداً آگهی خواهد شد

ماده ۱۲۵ - فروش با حضور دادورز (مأمور اجرا) و نماینده دادسرا بعمل میآید و صورتمجلس فروش بامضاء آنها میرسد

ماده ۱۲۶ - هر کس میتواند در مدت پنج روز قبل از روزیکه برای فروش معین شده است اموالی را که آگهی شده ملاحظه نماید

ماده ۱۲۷ - محکومله میتواند مثل سایرین در خرید شرکت نماید ولی ارزیابان و دادورزها (مأمورین اجرا) و سایر اشخاصی که مباشر امر فروشهستند همچنین اقرباء نسبی و سببی آنان تا درجه سوم نمیتوانند در خرید شرکت کنند.

ماده ۱۲۸ - مزایده از قیمتی که بترتیب مقرر در مواد ۷۳ تا ۷۵ معین شده شروع میشود و مال متعلق بکسی است که بالاترین قیمت را قبول کرده است

ماده ۱۲۹ - دادورز (مأمور اجرا) میتواند پرداخت بهای اموال را بو عده قرار دهد. در اینصورت برنده مزایده باید ده درصد بها را فی المجلس بعنوان سپرده بقسمت اجرا تسلیم نماید حداکثر مهلت مزبور از یکماه تجاوز نخواهدکرد و در صورتیکه برنده مزایده در موعد مقرر بقیه بهای اموال را نپردازد سپرده او پس از کسر هزینه مزایده بنفع دولت ضبط و مزایده تجدیدمیگردد

ماده ۱۳۰ - صاحب مال میتواند تقاضا کند که بعضی از اموال او را مقدم یا مؤخر بفروشند و یا اینکه خود او بالاترین قیمت پیشنهادی را نقداً پرداخت و از فروش آن جلوگیری نماید.

ماده ۱۳۱ - هر گاه مالي که مزايده از آن شروع ميشود خريدار نداشته باشد محکومله ميتواند مال ديگري از محکوم عليه معرفي و تقاضاي توقيف و مزايده آن را بنمايد يا معادل طلب خود از اموال مورد مزايده بقيمتي که ارزيابي شده قبول کند يا تقاضاي تجديد مزايده مال توقيف شده را بنمايد ودر صورت اخير مال مورد مزايده بهر ميزاني که خريدار پيدا کند بفروش خواهد رفت و هزينه آگهي مجدد بعهده محکومله ميباشد. و هر گاه طلبکاران متعدد باشند رأي اکثريت آنها از حيث مبلغ طلب براي تجديد آگهي مزايده مناط اعتبار است

ماده ۱۳۲ - هر گاه در دفعه دوم هم خریداري نباشد و محکومله نیز مال مورد مزایده را به قیمتي که ارزیابي شده قبول ننماید آن مال به محکوم علیه مسترد خواهد شد

ماده ۱۳۳ - تاریخ فروش و خصوصیات مال مورد فروش و بالاترین قیمتی که پیشنهاد شده و اسم و مشخصات خریدار در صورتمجلس نوشته شده و بامضاء خریدار میرسد.

ماده ۱۳۴ - تسلیم مال فقط بعد از پرداخت تمام بهای آن صورت خواهد گرفت

ماده ۱۳۵ - اگر فروش قسمتي از اموال توقیف شده براي پرداخت محکوم به و هزینههاي اجرائي کافي باشد بقیه اموال فروخته نمیشود و بصاحب آن مسترد میگردد

ماده ۱۳۶ - در موارد زیر فروش از درجه اعتبار ساقط و مزایده تجدید میشود:

۱ - هر گاه فروش در غیر روز و ساعت معین یا در غیر محلی که بموجب آگهی تعیین گردیده بعمل آید.

۲ - هر گاه کسی را بدون جهت قانونی مانع از خرید شوند و یا
 بالاترین قیمتی را که خواسته است رد نماید.

۳ - در صورتیکه مزایده بدون حضور نماینده دادسرا باشد.

۴ - در صورتیکه خریدار طبق ماده ۱۲۷ ممنوع از خرید بوده باشد

شکایت راجع به تخلف از مقررات مزایده در موارد مذکور ظرف یك هفته از تاریخ فروش به دادگاه داده میشود و قبل از انقضای مهلت مذکور یا قبل ازاتخاذ تصمیم دادگاه (در صورت وصول شکایت) مال بخریدار تسلیم نخواهد شد

## مبحث دوم - فروش اموال غير منقول

ماده ۱۳۷ - ترتیب فروش اموال غیر منقول باستثنای مواردیکه در این بحث معین گردیده مانند فروش اموال منقول است

ماده ۱۳۸ - در آگهی فروش باید نکات ذیل تصریح شود:

١ - نام و نام خانوادگي صاحب ملك.

٢ - محل وقوع ملك و توصيف اجمالي آن و تعيين اينكه ملك محل
 سكونت يا كسب و پيشه يا تجارت يا زراعت و غيره است.

٣ - تعيين اينكه ملك ثبت شده است يا نه.

۴ - تعیین اینکه ملك در اجاره است یا نه و اگر در اجاره است مدت و میزان اجاره.

۵ - تصریح باینکه ملك مشاع است یا مفروز و چه مقدار از آن فروخته میشود.

۶ - تعیین حقوقی که اشخاص نسبت به آن ملك تحت هر عنوان دارند.

۷ - قیمتی که مزایده از آن شروع میشود.

۸ - ساعت و روز و محل مزایده.

ماده ۱۳۹ - آگهی فروش بترتیب مقرر در مبحث قبل منتشر خواهد شد. آگهی مزبور در محل ملك نیز الصاق میگردد

ماده ۱۴۰ - هر گاه ملك مشاع باشد فقط سهم محكوم عليه بفروش ميرسد مگر اين كه ساير شركاء فروش تمام ملك را بخواهند در اينصورت طلب محكوم له و هزينه هاي اجرائي از حصه محكوم عليه پرداخت ميشود

ماده ۱۴۱ - پس از انجام مزایده صورتمجلس تنظیم و در آن نام و نام و نام خانوادگی مالك و خریدار و خصوصیات ملك و قیمتی که بفروش رسیده نوشته میشود و بضمیمه پرونده اجرائی بدادگاهی که قسمت اجرای آن دادگاه اقدام به فروش کرده است تسلیم میگردد

ماده ۱۴۲ - شکایت راجع به تنظیم صورت ملك و ارزیابی آن و تخلف از مقررات مزایده و سایر اقدامات دادورز (مأمور اجرا) ظرف یك هفته ازتاریخ وقوع بدادگاهی که دادورز (مأمور اجرا) در آنجا مأموریت دارد داده میشود دادگاه در وقت فوقالعاده به موضوع شکایت رسیدگی و در صورتیکه شکایت را وارد و مؤثر دانست اقدامی را که بر خلاف مقررات شده است ابطال و دستور مقتضی صادر خواهد نمود. قبل از این که دادگاه در موضوعشکایت اظهار نظر نماید سند انتقال داده نمیشود.

ماده ۱۴۳ - دادگاه در صورت احراز صحت جریان مزایده دستور صدور سند انتقال را بنام خریدار میدهد و این دستور قطعی است

ماده ۱۴۴ - در مواردیکه ملك خریدار نداشته و محکومله آنرا در مقابل طلب خود قبول نماید مالك ظرف دو ماه از تاریخ انجام مزایده میتواندکلیه بدهی و خسارات و هزینههای اجرائی را پرداخته و مانع انتقال ملك به محکومله شود. دادگاه بعد از انقضای مهلت مزبور دستور انتقال تمام یاقسمتی از ملك را که معادل طلب محکومله باشد خواهد داد

ماده ۱۴۵ - هر گاه مالك حاضر به امضاء سند انتقال بنام خريدار نشود نماينده دادگاه سند انتقال را در دفترخانه اسناد رسمي بنام خريدار امضاء مينمايد.

## فصل پنجم - اعتراض شخص ثالث

ماده ۱۴۶ - هر گاه نسبت بمال منقول یا غیر منقول یا وجه نقد توقیف شده شخص ثالث اظهار حقی نماید اگر ادعای مزبور مستند بحکم قطعی یا سند رسمی باشد که تاریخ آن مقدم بر تاریخ توقیف است. توقیف رفع میشود در غیر اینصورت عملیات اجرائی تعقیب میگردد و مدعی حق برای جلوگیری از عملیات اجرائی و اثبات ادعای خود میتواند بدادگاه شکایت کند

ماده ۱۴۷ - شكايت شخص ثالث در تمام مراحل بدون رعايت تشريفات آئين دادرسي مدني و پرداخت هزينه دادرسي رسيدگي ميشود مفادشكايت بطرفين ابلاغ ميشود و دادگاه بدلائل شخص ثالث و طرفين دعوي بهر نحو و در هر محل كه لازم بداند رسيدگي ميكند و در صورتيكه دلائل شكايت را قوي يافت قرار توقيف عمليات اجرائي را تا تعيين تكليف نهايي شكايت صادر مينمايد

در اینصورت اگر مال مورد اعتراض منقولباشد دادگاه میتواند با اخذ تأمین مقتضی دستور رفع توقیف و تحویل مال را بمعترض بدهد. بشکایت شخص ثالث بعد از فروش اموال توقیف شده نیز بترتیب فوق رسیدگی خواهد شد

تبصره - محكومله ميتواند مال ديگري را از اموال محكوم عليه بجاي مال مورد اعتراض معرفي نمايد. در اينصورت آن مال توقيف و از مالمورد اعتراض رفع توقيف ميشود و رسيدگي بشكايت شخص ثالث نيز موقوف ميگردد.

## فصل ششم - حق تقدم

ماده ۱۴۸ - در هر مورد که اجرائیههای متعدد بقسمت اجراء رسیده باشد، دادورز (مأمور اجرا) باید حق تقدم هر یك از محکوملهم را بترتیبزیر رعایت نماید:

۱ - اگر مال منقول یا غیر منقول محکوم علیه نزد محکوم له رهن یا
 وثیقه یا مورد معامله شرطی و امثال آن یا در توقیف تأمینی یا

اجرائي باشدمحكومله نسبت بمال مزبور بميزان محكومبه بر ساير محكوملهم حق تقدم خواهد داشت.

۲ - خدمه خانه و کارگر و مستخدم محل کار محکوم علیه نسبت بحقوق و دستمزد شش ماه خود.

۳ - نفقه زن و هزینه نگهداری اولاد صغیر محکوم علیه برای مدت شش ماه و مهریه تا میزان دویست هزار یال.

۴ - بستانکاران طبقات مذکور در بندهای دوم و سوم نسبت به بقیه طلب خود و سایر بستانکاران.

ماده ۱۴۹ - پس از اینکه بستانکاران بترتیب هر طبقه طلب خود را از اموال محکوم علیه وصول نمودند اگر چیزی زائد از طلب آنها بقای بماند بطبقه بعدی داده میشود و در هر یك از طبقات دوم تا چهارم اگر بستانکاران متعدد باشند مال محکوم علیه به نسبت طلب بین آنها تقسیم میگردد

فصل هفتم - تأديه طلب

ماده ۱۵۰ - وجوهي که در نتيجه فروش مال توقيف شده يا بطريق ديگر از محکوم عليه وصول ميشود بميزان محکوم به و هزينههاي اجرائي بمحکومله داده خواهد شد و اگر زائد باشد بقيه بمحکوم عليه مسترد ميشود

ماده ۱۵۱ - در صورتیکه وجوه حاصل کمتر از میزان محکوم به و هزینههای اجرائی باشد به درخواست محکومله برای وصول بقیه طلب او ازسایر اموال محکومعلیه توقیف میشود

ماده ۱۵۲ - در مقابل وجهي که بمحکومله داده میشود دو نسخه رسید اخذ میگردد یك نسخه از آن بمحکوم علیه تسلیم و نسخه دیگر درپرونده اجرائي بایگاني میگردد

ماده ۱۵۳ - در موردیکه محکومله بیش از یکنفر باشد و دارائی دیگری برای محکومعلیه غیر از مال توقیف شده معلوم نشود و هیچیك ازطلبکاران بر دیگری حق تقدم نداشته باشند از وجه وصول شده معادل هزینه اجرائی به کسی که آنرا پرداخته است داده میشود و بقیه بین طلبکارانیکه تا آن تاریخ اجرائیه صادر و درخواست استیفاء طلب خود را نمودهاند به نسبت طلبی که دارند با رعایت مواد ۱۵۴ و ۱۵۵ تقسیم میشود

ماده ۱۵۴ - تقسیمنامه را دادورز (مأمور اجرا) تنظیم و به طلبکاران اخطار مینماید تا از میزان سهم خود مطلع گردند

ماده ۱۵۵ - هر یك از طلبكاران كه شكایتی از ترتیب تقسیم داشته باشد میتواند ظرف یك هفته از تاریخ اخطار دادورز (مأمور اجرا) راجع بهترتیب تقسیم بدادگاه مراجعه كند. دادگاه در جلسه اداری

بشكایت رسیدگی و تصمیم قطعی اتخاذ مینماید در اینصورت تقسیم پس از تعیین تكلیف شكایت در دادگاه به عمل میآید.

ماده ۱۵۶ - در صورتیکه به طلبکاری زائد از سهم او داده شده باشد مقدار زائد بنحویکه در ماده ۳۹ مقرر گردیده مسترد میشود

ماده ۱۵۷ - خسارت تأخیر تأدیه در صورتیکه حکم دادگاه تا تاریخ وصول مقرر شده باشد تا زمان تنظیم تقسیمنامه جزء طلب محکومله محسوبخواهد شد.

## فصل هشتم - هزينههاي اجرائي

ماده ۱۵۸ - هزينه هاي اجرائي عبارت است از:

۱ - پنج درصد مبلغ محکومبه بابت حق اجراي حکم که بعد از اجراء وصول میشود. در دعاوي مالي که خواسته وجه نقد نیست حق اجراء بمأخذ بهاي خواسته که در دادخواست تعیین و مورد حکم قرار گرفته حساب میشود مگر اینکه دادگاه قیمت دیگري براي خواسته معین نموده باشد.

۲ - هزینه هائی که برای اجرای حکم ضرورت داشته باشد مانند
 حقالزحمه خبره و کارشناس و ارزیاب و حق حفاظت اموال و نظائر
 آن.

ماده ۱۵۹ - در تخلیه مورد اجاره غیر منقول صدی ده اجاره بهای سه ماه و در سایر مواردی که قانوناً تعیین بهای خواسته لازم نیست از هزار ریال تاپنج هزار ریال به تشخیص دادگاه بابت حق اجراء دریافت میشود.

ماده ۱۴۰ - پرداخت حق اجراء پس از انقضاي ده روز از تاريخ ابلاغ اجرائيه بر عهده محكومعليه است ولي در صورتيكه طرفين سازش كنند يا بينخود ترتيبي براي اجراي حكم بدهند نصف حق اجراء دريافت خواهد شد. و در صورتيكه محكومبه بيست هزار ريال يا كمتر باشد حق اجراء تعلقنخواهد گرفت

ماده ۱۶۱ - اگر محکوم به وجه نقد باشد حق اجراء هم ضمن آن وصول میگردد و هر گاه محکومله بعد از شروع اقدامات اجرائی رأساً محکوم به را وصول نموده باشد و محکوم علیه حاضر بپرداخت حق اجراء نشود حق مزبور از اموال محکوم علیه طبق مقررات اجرای احکام وصول میگردد. در اینصورت هزینه هائی که برای توقیف و فروش اموال محکوم علیه لازم باشد از صندوق دادگستری پرداخت شده و پس از وصول آن بصندوق مسترد میگردد.

ماده ۱۶۲ - دادورز (مأمور اجرا) باید حق اجراء را بلافاصله پس از وصول در قبال اخذ دو نسخه رسید بصندوق دادگستری پرداخت کند و یکنسخه از رسید مزبور را بمحکومعلیه تسلیم و نسخه دیگری را پیوست پرونده اجرائی نماید

ماده ۱۶۳ - دادورز (مأمور اجرا) باید جریمه نقدی مقرر در حکم قطعی را نیز بترتیب مذکور در این قانون وصول نماید

ماده ۱۶۴ - اجراي موقت حكم حق اجراء ندارد ولي اگر اجراي موقت باجراي قطعى حكم منتهى شود حق اجراء وصول ميگردد

ماده ۱۶۵ - راجع باحکامي که قبل از خاتمه رسیدگي فرجامي نسبت به آنها اجرائیه صادر گردیده حق اجراء پس از وصول در صندوق دادگستري میماند تا در صورت نقض حکم به محکوم علیه مسترد گردد.

ماده ۱۶۶ - پنجاه درصد از حق اجراء طبق آئیننامه وزارت دادگستری بمصرف تهیه و بهبود وسائل لازم برای تسریع اجرای احکام و پاداشمتصدیان اجراء میرسد و بقیه به حساب درآمد اختصاصی وزارت دادگستری منظور میگردد

ماده ۱۶۷ - مقررات این قانون شامل اجرائیههائی نیز خواهد بود که قبل از این قانون صادر گردیده و در جریان اجراء میباشند لیکن آن مقدار ازاقدامات اجرائی که مطابق قانون سابق بعمل آمده معتبر است.

ماده ۱۶۸ - هر گاه از تاریخ صدور اجرائیه بیش از پنجسال گذشته و محکومله عملیات اجرائی را تعقیب نکرده باشد اجرائیه بلااثر تلقی میشود ودر این مورد اگر حق اجراء وصول نشده باشد دیگر قابل وصول نخواهد بود.

محكومله ميتواند مجدداً از دادگاه تقاضاي صدور اجرائيه نمايد ولي درمورد اجراي هر حكم فقط يك بار حق اجراء دريافت ميشود.

فصل نهم - احكام و اسناد لازمالاجراء كشورهاي خارجي

ماده ۱۶۹ - احکام مدنی صادر از دادگاههای خارجی در صورتیکه واجد شرایط زیر باشد در ایران قابل اجراء است مگر اینکه در قانون ترتیب دیگری مقرر شده باشد:

۱ - حکم از کشوري صادر شده باشد که بموجب قوانین خود یا عهود یا قراردادها احکام صادر از دادگاههاي ایران در آن کشور قابل اجراء باشد یادر مورد اجراي احکام معامله متقابل نماید.

٢ - مفاد حكم مخالف با قوانين مربوط بنظم عمومي يا اخلاق حسنه نباشد.

٣ - اجراي حكم مخالف با عهود بين المللي كه دولت ايران آن را
 امضاء كرده يا مخالف قوانين مخصوص نباشد.

۴ - حكم در كشوري كه صادر شده قطعي و لازمالاجراء بوده و بعلت قانونى از اعتبار نيفتاده باشد.

۵ - از دادگاههای ایران حکمی مخالف دادگاه خارجی صادر نشده باشد.

<sup>9</sup> - رسیدگی بموضوع دعوی مطابق قوانین ایران اختصاص بدادگاههای ایران نداشته باشد.

 ۷ - حكم راجع باموال غير منقول واقع در ايران و حقوق متعلق بآن نباشد.

۸ - دستور اجراي حكم از مقامات صلاحيتدار كشور صادركننده حكم صادر شده باشد.

ماده ۱۷۰ - مرجع تقاضاي اجراي حكم دادگاه شهرستان محل اقامت يا محل سكونت محكوم عليه است و اگر محل اقامت يا محل سكونت محكوم عليه در ايران معلوم نباشد دادگاه شهرستان تهران است

ماده ۱۷۱ - در صورتیکه در معاهدات و قراردادهای بین دولت ایران و کشور صادرکننده حکم ترتیب و شرایطی برای اجرای حکم مقرر شده باشدهمان ترتیب و شرائط متبع خواهد بود.

ماده ۱۷۲ - اجراي حكم بايد كتباً تقاضا شود و در تقاضانامه مزبور نام محكومله و محكومعليه و مشخصات ديگر آنها قيد گردد

ماده ۱۷۳ - بتقاضانامه اجراي حكم بايد مدارك زير پيوست شود:

۱ - نسخهای از رونوشت حکم دادگاه خارجی که صحت مطابقت آن با
 اصل بوسیله مأمور سیاسی یا کنسولی کشور صادرکننده حکم
 گواهیشده باشد با ترجمه رسمی گواهی شده آن بزبان فارسی.

۲ - رونوشت دستور اجراي حكمي كه از طرف مرجع صلاحيتدار
 مربوط صادر شده با ترجمه گواهي شده آن.

۳ - گواهي نماينده سياسي يا كنسولي ايران در كشوري كه حكم از
 آنجا صادر شده يا نماينده سياسي يا كنسولي كشور صادركننده حكم
 در ايرانراجع بصدور و دستور اجراي حكم از مقامات صلاحيتدار.

۴ - گواهي امضاء نماينده سياسي يا كنسولي كشور خارجي مقيم
 ايران از طرف وزارت امور خارجه

ماده ۱۷۴ - مدیر دفتر دادگاه عین تقاضا و پیوستهای آنرا بدادگاه میفرستد و دادگاه در جلسه اداری فوقالعاده با بررسی تقاضا و مدارك ضمیمه آن قرار قبول تقاضا و لازمالا جراء بودن حكم را صادر و دستور اجراء میدهد و یا با ذكر علل و جهات رد تقاضا را اعلام مینماید

ماده ۱۷۵ - قرار رد تقاضا باید بمتقاضی ابلاغ شود و نامبرده میتواند ظرف ده روز از آن پژوهش بخواهد.

ماده ۱۷۶ - دادگاه مرجع پژوهش در جلسه اداري فوقالعاده بموضوع رسیدگی و در صورت وارد بودن شکایت با فسخ رأي

پژوهشخواسته امر بهاجراي حكم صادر مينمايد و در غير اين صورت آن را تأييد ميكند. رأي دادگاه قابل فرجام نخواهد بود.

ماده ۱۷۷ - اسناد تنظیم شده لازمالاجراء در کشورهای خارجی بهمان ترتیب و شرایطی که برای اجرای احکام دادگاههای خارجی در ایران مقررگردیده قابل اجراء میباشد و بعلاوه نماینده سیاسی یا کنسولی ایران در کشوری که سند در آنجا تنظیم شده باشد باید موافقت تنظیم سند را با قوانین محل گواهی نماید

ماده ۱۷۸ - احکام و اسناد خارجي طبق مقررات اجراي احکام مدني به مرحله اجراء گذارده میشود

ماده ۱۷۹ - ترتیب رسیدگی باختلافات ناشی از اجرای احکام و اسناد خارجی و اشکالاتیکه در جریان اجراء پیش میآید همچنین ترتیب توقیف عملیات اجرائی و ابطال اجرائیه بنحوی است که در قوانین ایران مقرر است مرجع رسیدگی دادگاههای مذکور در ماده ۱۷۰ میباشد

ماده ۱۸۰ - موارد مندرج در باب ششم قانون اصول محاكمات حقوقي مصوب ۱۳۲۹ قمري و مواد راجع باجراي احكام در قانون تسريعمحاكمات و ساير قوانيني كه مخالف اين قانون باشد ملغي است.

قانون فوق مشتمل بر یکصد و هشتاد ماده و هشت تبصره پس از تصویب مجلس سنا در جلسه روز دوشنبه ۱۱،۲۵۳۵، در جلسه روز یکشنبه اولآبان ماه دو هزار و پانصد و سی و شش شاهنشاهی بتصویب مجلس شورای ملی رسید.

رئيس مجلس شوراي ملى - عبدالله رياضي